

بسم الله الرحمن الرحيم

حریری پیروی رژیم سعودی است



(ترجمه)

پرسش:

حریری از استعفای خویش انصراف داده و به تاریخ ۵ دسامبر ۲۰۱۷م، نشست وزرای کابینه به ریاست وی برگزار گردید و تصریح داشت، که حکومت توافق نموده تا از این پس به امور سایر کشورها مداخله نکنند. هرگاه موضع‌گیری‌های حریری تعقیب شود، دیده می‌شود که آشفته و متناقض است؛ زیرا پس از خالی بودن پُست ریاست جمهوری برای بیش از دو سال، حریری به تاریخ ۲۰ اکتوبر ۲۰۱۷م نزد "میشل عون" رفته و با وی در تشکیل حکومت و ریاست جمهوری توافق کرد، وی به خوبی می‌دانست که عون و حزب الله با هم دیگر هم‌پیمان بوده و حزب الله عنصر اصلی این ائتلاف است. به تاریخ ۴ نومبر ۲۰۱۷م حریری استعفای خویش را در حالی اعلام نمود که در سعودی بسر می‌برد و به این ترتیب، خشم حزب الله را برانگیخت.

حال با وصف آن‌که حزب الله در دولت سهیم است، حریری استعفای خویش را پس گرفته و در حکومت مشارکت ورزیده است، تحلیل این آشفتنگی و تناقض چیست؟ آیا نگاه‌ها به کوتاه کردن نفوذ ایران و حزب‌اش دوخته شده است؟ و با بهره جستن شرایط کنونی، آیا انتظار می‌رود که دولت یهود بر لبنان و حزب الله هجوم برد؟ الله سبحانه و تعالی خیرتان دهد.

پاسخ:

به منظور وضاحت بیشتر، لزوماً واقعیت ارتباط بین خاندان حریری و دولت سعودی را باید از نظر گذراند: حریری پیروی سعودی بوده و اگر حاکم سعودی پیروی انگلیس باشد، بازتاب آن را می‌توان در سیاست‌گذاری حریری در لبنان شاهد بود؛ هم‌چنان اگر حاکم پیروی امریکا باشد، در روشنایی آن می‌توان به شکل ذیل پاسخ ارائه کرد:

دوره ریاست جمهوری "میشل سلیمان رئیس جمهور اسبق لبنان" در ماه می ۲۰۱۴م به پایان رسید و شاه وقت سعودی "ملک عبدالله بن عبدالعزيز" بود؛ چون عبدالله پیروی انگلیس بود، حزب الله اصرار داشت که "عون" به حیث رئیس جمهور انتخاب شود. آشکار بود که عون و حزب الله از طرف ایران-طرفدار امریکا- حمایت می‌شدند. به این ترتیب، ملک عبدالله به انتخاب عون به حیث رئیس جمهور موافقت نکرد و "سعد حریری" را فرمان داد تا به نامزدی ریاست جمهوری عون مخالفت کند. از آنجایی که سعد حریری هم تابع سیاست‌گذاری سعودی-طوری که سیاست‌گذاری شاه وقت، "عبدالله" ایجاب می‌کرد- وی به انتخاب عون مخالفت کرد.

به این ترتیب، بعد از پایان ریاست جمهوری میشل سلیمان در می ۲۰۱۴م، به مدت تقریباً دو نیم سال چوکی ریاست جمهوری لبنان بلا متصدی باقی ماند، تا این که ظهر روز دوشنبه مؤرخ ۳۱ اکتوبر ۲۰۱۶م پارلمان لبنان دایر شد و میشل عون به حیث رئیس جمهور آن کشور انتخاب گردید.

آنچه که روند انتخاب رئیس جمهور لبنان را کمک کرد، تغییر حکومت سعودی بود؛ چنانچه ملک عبدالله به تاریخ ۲۳ جون ۲۰۱۵م وفات نموده و پس از آن زمام امور را برادرش "سلیمان" به دست گرفت؛ چنانچه واضح است، وی طرفدار امریکا است. شاه سلیمان به شکستن بال‌های وفاداران انگلیس؛ از جمله فرزندان شاه عبدالله و طرفداران سابق اش پرداخت تا فضای دولت‌اش ثبات یافت. پس از آن امریکا هم از طریق انتخاب عون به حیث رئیس جمهور خواهان ثبات اوضاع لبنان بود، وی از سلیمان خواست تا به سعد حریری فرمان دهد که در انتخاب عون مخالفت نکند.

به این ترتیب حریری نزد عون رفته با وی توافق کرد و وی را به ریاست جمهوری نامزد نمود؛ یعنی مخالفتی را که سعد حریری در دوران عبدالله رهبری می‌نمود، در دوران سلیمان پایان یافت. سعد حریری از "کاخ وسط" نامزدی میشل عون را به ریاست جمهوری در مقابل هم‌حزبی‌هایش، که در رأس‌شان "فواد سنوره" و "بهیه حریری" نماینده پارلمان حضور داشتند، اعلام نمود. سپس سخنرانی را ایراد نمود که در آن آمده بود: «بر اساس نقاط اتفاقی که بدان رسیدیم، امروز در حضورتان تصمیم خویش را بر نامزد کردن میشل عون به پُست ریاست جمهوری اعلام می‌کنم.» (منبع: النهار ۲۰ اکتوبر ۲۰۱۷م)

سپس پارلمان به تاریخ ۳۱ اکتوبر ۲۰۱۶م عون را به حیث رئیس جمهور انتخاب نمود. قابل ذکر است که پس از بلا متصدی شدن پُست ریاست جمهوری به مدت دو سال و پنج ماه، بعد از پایان یافتن دوره ریاست جمهوری میشل سلیمان در ماه می ۲۰۱۴م، حمایت رئیس جریان مستقبل، سعد حریری، از کاندید شدن عون، برگزاری انتخابات را آسان

نمود. (منبع: العربیه ۳۱ اکتوبر ۲۰۱۶م) به همین دلیل، عون به منظور سپاس‌گزاری از سعودی وارد این کشور شد. از آنچه گفته آمدیم، واضح می‌شود که حریری پیروی حکام سعودی بوده و بر حسب میل‌شان موافقت و مخالفت می‌کند.

پس از آن‌که ترامپ زعامت امریکا را در دست گرفت، به تاریخ ۲۰ می ۲۰۱۷م از سعودی دیدن کرد. در اجلاسی که سران کم‌خرد ۵۰ کشور اسلامی حضور داشتند، راجع به ایران و حزب‌الله اظهارات تندی داشتند-که هدف آنان دور کردن نگاه‌ها از قضیهٔ مسلمانان در فلسطین بود و توجه‌ها را به ایران متمرکز کرد- مقدمه‌ای بر پلان اعلام قدس به حیث پایتخت دولت یهود بود. واضح بود که هدف از این اظهارات، متشنج کردن اوضاع است؛ البته عربستان سعودی و سایر هم‌نوعانش این روش را در پیش گرفتند و چون نقش مرکزی در بازی منطقه‌ای، علی‌الخصوص با مداخله‌اش در سوریه را برای ایران، حزب‌الله لبنان به دوش دارد.

سعودی از حریری خواست که سیاست متفاوتی ضد ایران و حزب‌الله را به پیش گیرد، به این منظور وی را به سعودی دعوت نمود و از وی خواست تا استعفاء دهد و با اظهارات تندی علیه ایران و حزب‌الله، دلایل استعفایش را عمل‌کرد آن‌ها قلمداد کند و چنین هم شد، که حریری به سعودی حاضر شده و اظهارات مگس‌گونه‌اش را بیان داشت و به تاریخ ۴ نومبر ۲۰۱۷م از آن‌جا استعفای خویش را اعلام نمود.

امریکا به خوبی می‌داند که اظهارات‌اش علیه ایران و حزب‌الله به معنی قطع روابط با ایران و حزب‌اش نیست؛ بلکه به خاطر افزایش تنش بوده تا از آن به حیث ابزاری برای ترساندن کشورهای خلیج استفاده کند. امریکا از سعودی و حریری خواسته بود تا توسط اظهارات خویش پیامی را برسانند؛ نه این‌که از نقشهٔ ترسیم شده پا را فراتر نهند. به عبارتی دیگر، امریکا نمی‌خواهد تا حزب‌الله را کاملاً از بین برده و اوضاع به شکلی تغییر کند که از کنترلش خارج شود؛ مگر صرفاً خواست تا پیامی را برایش بفرستد. به همین دلیل بود که از سعودی خواست تا اوضاع را آرام‌تر کند؛ یعنی حریری لحن آرام‌تری بگیرد.

چنان‌چه سایت "النشرة" به تاریخ ۴ دسمبر ۲۰۱۷م نوشت: «... شاهزاده محمد بن سلمان ولیعهد سعودی با هماهنگی مستقیم کامل کاخ سفید عمل نمود.» چنان‌چه پس از چهارمین دیدار "جرد کوشنر" داماد ترامپ و مشاور ارشدش در امور خاور میانه، از سعودی که پشت درهای بسته و دور از دسترس رسانه‌ها صورت گرفت، کوشنر و هیئت همراهش چهار روز را در سعودی ماندند و پس از آن دیدارهایی سریعی از مصر، اردن و دولت یهود داشتند. تقریباً پس از دو هفته از خروج کوشنر، بحران لبنان و دستگیری‌های داخل سعودی آغاز شد.

در خلال بحران سیاسی شدیدی که لبنان را لرزاند، یک سلسله از مسائل واضح شد؛ مثلاً: بر اساس تفاهمی که در مورد لبنان بین کاخ سفید و ولیعهد سعودی وجود داشت، تحت عنوان فشار بالای "حزب‌الله" برای تغییر حجم منطقه‌ای‌اش، بعد از آن‌که زیاد بزرگ شده بود، تطبیق شد. تحت عنوان متذکره ولیعهد سعودی توسط نخست‌وزیر لبنان هجوم خویش را

علیه دولت لبنان آغاز کرد و در نتیجه بعد از فروپاشی سازش سیاسی که جنرال میشل عون توسط آن توانسته بود خود را به قصر "بعبد" برساند؛ مگر عمل کرد سعودی خشونت‌آمیز و تهی از مهارت‌های دیپلماتیک بود؛ زیرا ثبات داخلی لبنان را تهدید می‌نمود. در عین زمان مؤسسات امریکایی همواره به این باور بودند، فشارهایی که بالای حزب الله وارد می‌شوند، باید تا سقفی معین باشد؛ زیرا در غیر آن صورت امور از کنترل خارج خواهد شد. به محض این که اوضاع رو به وخامت می‌گراید، مؤسسات امریکایی به دلیل این که ثبات لبنان در معرض خطر است، وارد عمل شدند. (منبع: سایت النشرة ۴ دسمبر ۲۰۱۷م)

به این ترتیب، حریری به اساس فرمان سعودی لحن تند خود را آرام کرد. سعودی به خاطر حفظ حیثیت و آبروی خویش از پا در میانی رئیس جمهور فرانسه استقبال کرد و همایش گفتگو کرده و رئیس جمهور آن کشور با حریری نیز ملاقات نمود. سپس حریری به فرانسه و پس از آن به مصر سفر نمود و فضایی را ایجاد نمود که گویا برای گزینش موضعی مناسب سرگرم مشوره است؛ در حالی که قبل از سفرش موضع وی از پیش در سعودی ترسیم شده بود و آن این بود، که لحن خود را آرام‌تر کرده و استعفایش را پس بگیرد و این طور نیز شد؛ چون به تاریخ ۲۱ نومبر ۲۰۱۷م به لبنان بازگشت، سپس به تاریخ ۲۲ نومبر ۲۰۱۷م استعفای خویش را به حالت تعلیق در آورد.

سپس حریری در باره حزب الله تا حدی زیاد از لحن نرم‌تری استفاده نموده و تصریح داشته گفت: «ویژه‌گی حزب الله این است که سلاح خویش را در داخل استفاده نمی‌کند.» وی قبل از این که دیگران را فریب دهد، گویا خویشتن را فریب داد و استفاده از سلاح را توسط این حزب در داخل برای بارها فراموش کرده است، وی استعفای خویش را پس گرفت و اجلاس کابینه دولت به ریاست وی به تاریخ ۵ دسمبر ۲۰۱۷م برگزار گردید و در این اجلاس تصریح داشته گفت: «پس از توافق سران حکومت مبنی بر تمرکز به امور داخلی و عدم مداخله به امور سایر کشورهای عربی، اوضاع بهتر شده است.» وی این گفته‌ها را در حالی بیان داشت که ملیشه‌های حزب الله شب و روز در سوریه می‌جنگند.

خلاصه این که حریری تابع امر و نهی دولت سعودی بوده و سیاست وی بازتابی از سیاست شاه سعودی و ولیعهدش می‌باشد و پنهان کردن این موضوع سودی نداشته و بر هر صاحب بصیرتی واضح است. اما آیا رویکردی برای کاهش نفوذ ایران و حزب‌اش وجود دارد؟ این کار امکان دارد، ولی انتظار می‌رود که رویکرد فوق بعد از نایل شدن به راه‌حلی در سوریه به مرحله‌ای که امریکا خواهان آن است، اتفاق افتد. وقتی نقش ایران و حزب‌اش در سوریه به پایان رسد، امکان دارد که از سوریه عقب‌نشینی داده شده و نقش نظامی ایران و حزب‌اش کاهش پیدا کند.

باید تذکر داد که حزب الله تابع حکومت ایران است، چنان‌چه حریری تابع حکومت سعودی است. بنابر این، انتظار می‌رود که موضوع سوریه به شکل منظم و معین با عقب‌نشینی ایران خاتمه پذیرد، که به پیروی آن حزب‌اش در لبنان نیز

عقب‌نشینی خواهد کرد. اما آیا انتظار می‌رود که دولت یهود بر لبنان یا حزب الله حمله کند؟ این بستگی به تدارکات راه‌حل در سوریه دارد؛ یعنی وابسته به شرایط موجود و تحولات آینده است.

۲۱ ربیع الاول ۱۴۳۹ هـ.ق

۹ دسمبر ۲۰۱۷ م